

رئیس هیات مدیره تعاونی تامین نیاز قطعه سازان، از تعطیلی و خروج از چرخه تولید بسیاری از خطوط تولید قطعه خیر داد و گفت: این زبان وارده بر صنعت قطعه سازی کشور حاصل قیمت گذاری دستوری خودروسازان است.

علی یکه فلاح، اظهار کرد: قیمت گذاری دستوری خودروسازان طی سال های اخیر، این صنعت را به زیان دهی کشانده و این زیان دهی به بر صنعت قطعه سازی نیز تاثیر گذاشته است؛ به نحوی که در حال حاضر بسیاری از خطوط تولید قطعه از چرخه خارج شده و برخی دیگر هم تنها با یک پنجم ظرفیت در حال فعالیت هستند. ادامه این روند، ظرفیت های قطعه سازان را خالی کرده و امید به سرمایه گذاری در این صنعت را از بین برده است. چنانچه شرکت های قطعه سازی و خودروسازی به این روال اداره شوند، کشور به یک مونتاژ کار تبدیل خواهد شد. رئیس هیات مدیره تعاونی تامین نیاز قطعه سازان کشور، صنعت خودروسازی کشور در تامین نیازهای بازار ایران را توانمند دانسته و گفت: صنایع خودروسازی خصوصی و دولتی که شکل گرفته اند، می توانند به تنهایی پاسخگوی نیازهای بازار باشند؛ به شرط آنکه که صنعت خودرو دستوری اداره نشده و شورای رقابت دیگر مدعی قیمت گذاری خودرو در کشور نباشد. عضو هیات مدیره انجمن صنایع همگن نیرومحر که و قطعه سازان خودرو کشور خاطر نشان کرد: بورس کالا توانست تا حدودی سایه قیمت گذاری دستوری بر صنعت خودرو را کم کند، اما در نهایت این روش نیز راه حل نهایی نیست. قیمت گذاری دستوری علاوه بر آنکه خودرو را به کالای سرمایه ای تبدیل کرده، رانتی در بازار کشور ایجاد کرده که سود آن تنها در جیب دلالتان می رود. این رانت سبب افزایش تقاضای کاب در بازار نیز می شود؛ به طوری که در حال حاضر نمی توان تشخیص داد که یک میلیون و ۵۰۰ هزار تقاضا واقعی و از طرف مردم است یا خیر.

یک فلاح ادامه داد: تقاضای بازار خودرو ایران از لحاظ تیراژ داخلی، یک میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه است. به عبارتی دیگر، به صورت متوسط نیاز بازار خودرو کشور با توجه به قدرت خرید مردم، خودروسازان داخلی باید سالانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو تولید شود. البته نیاز بازار خودرو به بخش های دیگری نیز تقسیم می شود؛ به طور مثال، باید به این نکته توجه شود که چه میزان از تقاضای بازار توانایی خرید خودروهای خارجی بیش از ۱۵ هزار دلار و بیشتر را دارد. واردات خودرو تنها می تواند این بخش از نیاز بازار را برطرف کند و پاسخگوی نیاز کل بازار نخواهد بود.

این فعال صنعت خودروسازی تاکید کرد: صنعت خودروسازی و بازار آن در سایر کشورهای جهان نیز همانند ایران است، اما شیوه قیمت گذاری در هیچ جای دنیا بدین شکل صورت نمی گیرد. در این میان این مساله مطرح می شود که چرا شورای رقابت باید بازار خودرو را انحصاری شناسایی کند؟ رئیس هیات مدیره تعاونی تامین نیاز قطعه سازان ضمن اشاره به آزادسازی واردات خودرو و کمک آن به تعدیل بازار افزود: در حال حاضر واردات خودرو به کشور آزاد شده است. اما این مساله به تنهایی نمی تواند انحصار بازار را بشکند. در این رابطه نکته ای که مطرح می شود، میزان ورود خودروهای خارجی به کشور و تامین نیازهای بازار است. باید منتظر ماند و مشاهده کرد که چه تعداد خودرو وارد کشور می شود و آیا این تعداد می تواند بازار خودرو را اشباع کند یا خیر؟

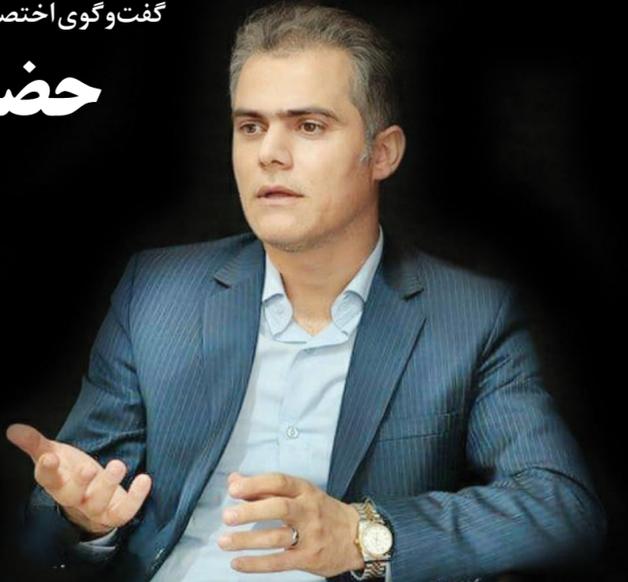
وی تاکید کرد: اگر واردات خودروهای نو و کار کرده به صورت صحیح اجرا شود، بازار خودرو دیگر از شکل انحصاری خارج می شود و این امر در کنار فعالیت ۴۰ تا ۵۰ خودروساز دولتی و خصوصی اتفاق می افتد. یک فلاح با بیان اینکه چنانچه سرمایه در گردش خودروسازان و قطعه سازان تامین و همچنین ناوگان حمل و نقل کشور بازسازی شود، زیرساخت مناسبی برای تولید خودرو در کشور ایجاد خواهد شد، گفت: در نتیجه، در صورت کناره گیری دولت از اداره بنگاه های اقتصادی خودروسازان می توانند ظرفیت تولید خود را به طور سالیانه تا دو میلیون دستگاه هم بالا ببرند. این عضو هیات مدیره انجمن صنایع همگن قطعه سازی کشور در پایان تاکید کرد: در شرایطی که بازار از حالت انحصار خارج شد، دولت و شورای رقابت دیگر نباید به صورت دستوری صنعت و بازار خودرو را اداره کنند؛ چرا که یکی از بهانه های ورود شورای رقابت به بحث قیمت گذاری خودروها، انحصاری بودن بازار خودرو است و با خودرو مانند روال پیشین، برخورد انحصاری می کند. هنگامی که خودرو از انحصار خارج شد، بازار و میزان عرضه و تقاضا باید در عرصه قیمت گذاری تصمیم بگیرد و به تعیین قیمت توسط یک نهاد ناظر نیازی نخواهد بود.

گفت و گوی اختصاصی «آرمان ملی» با سائروس معصوم پور امیر آبادی؛ تحلیلگر بازارهای داخلی و بین المللی:

حضور مستقیم افراد عادی در بورس اشتباه است

مگر قرار است بازار همیشه به سمت بالا حرکت کند

دولت نباید به مردم بگوید وارد بورس شوند



این ریزش را به طور جدی پیش بینی نمی کنند. با این حال، شاخص باز کاهش پیدا کرد و روز شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۲، شاخص کل به ۲ میلیون و ۷۰ هزار واحد رسید. برخی تحلیلگران می گویند شاخص کل بورس، به محدوده حمایتی مهمی رسیده و احتمال صعود آن وجود دارد. جناب عالی چه نظری دارید و آیا فکر می کنید احتمال کاهش بیش تر وجود ندارد و زمان صعود مجدد بورس فرا رسیده است؟

بازار به حالت تعادل می رسد و در معامله گری، دو سناریوی کلی وجود دارد. یک سناریو این است که بازار رشد کند و سناریوی دیگر این است که بازار، پایین بیاید. در هر دو حالت، قیمت می خواهد به یک محدوده تعادلی برسد. اگر قیمت می خواهد پایین بیاید، قیمت متعادل نشده و می خواهد پایین بیاید. اگر هم قیمت بالا می رود، پس قیمت متعادل نشده و می خواهد بالا برود.

ما هیچوقت نمی توانیم به طور قطعی بگوییم که بازار حتماً بالا می رود، یا حتماً پایین می آید. چون مارکت ۵۰-۵۰ است و اگر این طور نبود و شرایط دیگری در این بازار در نظر گرفته نمی شد، الان تعداد زیادی در چارچوب شرکت اسنپ کار نمی کردند و همگی در بازار مالی کار می کردند.

در روزهای قبل، تحلیلگران می گفتند احتمال برگشت و صعود مجدد شاخص کل در محدوده یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد وجود دارد. با این حال، شاخص بورس، دچار ریزش بیش تری شد. در حال حاضر، آیا شما با وجود ریزش بورس تا محدوده ۲ میلیون و ۷۰ هزار واحد، اعتقاد دارید سهم های زیادی در بورس تهران، فعلاً ارزنده هستند و مناسب برای خرید هستند یا نه؟

چه افراد حرفه ای و چه افراد آماتور که در بورس حضور دارند، باید به دنبال سهم هایی بروند که این سهم ها با دلار برابری می کند و نرخ دلار بر آنها تاثیر می گذارد. برای مثال، احتمال بیش تری وجود دارد که به خاطر بالا رفتن نرخ دلار، خودروی چینی مونتاژ شده در ایران، بیش از خودروهای تولید داخلی، در بازار افزایش قیمت پیدا کند. در داخل بازار بورس ایران، افراد می خواهند سهم بخرند و کمتر آسیب ببینند، باید سراغ سهم هایی بروند که برابری با دلار دارند.

بورس تهران، کامودیتی

محور بوده و تعیین قیمت محصولات از قبیل فولاد و پتروشیمی تا حدود زیادی تحت تاثیر قیمت های جهانی است. از طرفی، بحث احیای پرجام هنوز منتفی نشده، همچنین در سطح جهانی

تصمیمات فدرال رزرو آمریکا بر کل بازارهای دنیا از جمله بورس تهران و بر نرخ دلار تاثیر می گذارد. در سال گذشته نرخ تورم آمریکا در زمان اوج به ۹ درصد افزایش پیدا کرد و الان و بعد از یک سال، نرخ تورم آمریکا به ۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

در ماه های قبل، آمریکا به طور مکرر نرخ بهره را بالا برد تا تورم را کنترل کند. این کار بر بازارهای مختلف از جمله کامودیتی ها تاثیر منفی می گذاشت. در حوزه داخلی، خروج پول حقیقی از بورس در روزهای ۲۰ و ۲۱ تیر ماه شدت گرفت و حتی در روز چهارشنبه ۲۱ تیرماه حدود ۱۶۰۰ میلیارد تومان خروج پول حقیقی اتفاق افتاد. در مجموع و با در نظر گرفتن عوامل خارجی و داخلی، اوضاع بورس تهران چگونه خواهد شد؟

در بازارهای جهانی می بینیم گاهی اوقات فدرال رزرو اعلام می کند که می خواهد نرخ بهره را پایین بیاورد ولی عملاً این کار را انجام نمی دهد. با این کار، خیلی از قیمت ها تحت تاثیر قرار می گیرند و فدرال رزرو بدون این که کار عملی در مورد نرخ بهره، انجام دهد به خواسته خودش رسیده است. بنابراین، یک معامله گر حرفه ای، همه این موارد را باید رصد کرده و این طور به بازار ورود کند.

ما در کشوری زندگی می کنیم که احتکار سهام صورت می گیرد و به همین دلیل، هیچ نفعی برای سهامدار خرد ندارد. تنها تاثیر خرید سهام این است که ارزش آن بر خلاف پول نقد و سرمایه گذاری می گردد، مردم عادی از جمله راننده تاکسی، وارد بورس می شوند. در حالی که این افراد، باید به صندوق سرمایه گذاری مراجعه کرده و از این طریق در بازار سرمایه گذاری کنند. البته حتی صندوق های سرمایه گذاری ایران، صندوق های واقعی نیستند. هنوز در جامعه ما نهادینه نشده که افراد نباید به طور مستقیم به بورس ورود کنند. برخی افراد عادی، از سال های قبل در بورس حضور داشتند ولی تعداد زیادی از آنها از بورس خارج شده اند، یعنی برخی از افراد عادی حاضر در بورس، در این اواخر از بازار خارج شدند و افراد جدیدی وارد این بازار نشده اند.

آرمان ملی: بورس تهران، یکی از بازارهای مالی ایران و رقیب بازارهای مختلف دیگر از جمله بازار پول، بازار خودرو، بازار مسکن، بازار طلا و سکه، بازار دلار و بازار ارزهای دیجیتال است. در شرایط فعلی که آخرین ریزش نسبتاً بزرگ بورس تهران در ماه های خرداد و تیر ۱۴۰۲، به ثبت رسیده، برخی تحلیلگران بازار، اعتقاد دارند سهم های حاضر در بورس تهران، در کف قیمتی بوده و زمان مناسب برای خرید سهام و در نتیجه سودآوری فرا رسیده است. در همین چارچوب، «آرمان ملی» در گفت و گوی اختصاصی با دکتر سائروس معصوم پور امیر آبادی (اقتصاددان و تحلیلگر بازارهای داخلی و بین المللی)، وضعیت فعلی و چشم انداز قیمتی و سودآوری بورس تهران را بررسی کرده است.

به دلیل این که تورم در کشور وجود دارد، قیمت ها افزایش پیدا می کند تا قیمت سهام، به نرخ واقعی برسد. این رشدی که در بورس اتفاق افتاده، در حقیقت رشد نیست و ما نباید وضعیت خودمان را با مقیاس های بین المللی، ارزیابی کنیم. اتفاقی که در بازار رخ داد، فقط باعث شد عرضه و تقاضا، خودشان را به هم برسانند و تعادل ایجاد شود.

لازم می دانم که بگویم سهامدار بودن با معامله گر بودن، تفاوت دارم. وقتی که شغل یک فرد، معامله گری نیست، نباید به بازار مالی ورود کند. آن شخص باید به صندوق سرمایه گذاری مراجعه کند و از طریق آن صندوق، در بازار حضور غیر مستقیم داشته باشد.



جناب عالی فکر می کنید جمع زیادی آماتورها از بازار و بورس خارج شده اند؟

خیلی از آنها به دنبال این هستند که آن پولی را که وارد بورس کرده اند، کسب کنند و از این بازار خارج شوند. در مورد وضعیت فعلی بورس، می توانم بگویم که ما باید بینیم قیمت واقعی دلار چقدر است و قیمت سهام بورس، چه وضعیتی دارد. ما اگر نمودارهای تکنیکال نفت، طلا و دلار را کنار هم بگذاریم به این نتیجه می رسیم که نرخ واقعی دلار، در حد ۷۰ هزار تومان است. در وضع کنونی، فردی که یک مبلغ مشخص در داخل بورس دارد، اگر همان را ببرد و صرف خرید یک سکه یا ربع سکه کند و نگهداری

کند، بازدهی بیش تری خواهد داشت تا این که در بورس، همچنان منتظر بماند تا پولش که به ریال است، به همان پول و ریال چند سال قبل برسد.

در مرداد سال ۱۳۹۹ شاخص بورس به بالای ۲ میلیون و ۸۰ هزار واحد رفت و به اوج رسید و بعداً تا محدوده یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد کاهش پیدا کرد. در دوره فعلی، شاخص کل بورس از همان محدوده یک میلیون و ۲۰۰ هزار رشد کرد تا به محدوده بالای ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد افزایش پیدا کرد.

در روزهای اخیر که هنوز شاخص کل در محدوده بالای ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار واحد بود، برخی تحلیلگران می گفتند محدوده ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد شاخص کل، اهمیت دارد و اگر شاخص از این محدوده یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد پایین برود، می تواند تا ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد کاهش پیدا کند. بعد از ریزش بیش تر، شاخص کل تا محدوده مهم یک میلیون و ۱۰۰ هزار واحد کاهش پیدا کرد که برخی تحلیلگران

که آنها را تشویق کرده است. این افراد می گفتند به دولت اعتماد کرده و وارد بورس شده اند. در چنین وضعیتی، آیا می شود فرافکنی کرد و این افراد بگویند دوباره به آقای روحانی و دولت او اعتماد کرده اند و نهایتاً دولت را مقصر جلوه بدهند، یا اینکه یک معامله گر در ابتدا باید اصول معامله کردن در بازارهای مالی را یاد بگیرد و بعد وارد بورس شود؟

در مورد حمایت های دولتی، باید بگویم که در بازارهای اقتصاد، چیزی به اسم کج منشی داریم. این کج منشی زمانی اتفاق می افتد که حمایت های دولتی به وجود می آید. وقتی دولت می گوید که می خواهد از یک بازار و یک موضوع حمایت کند، این حالت رخ می دهد. حمایت دولت در عمل یعنی برداشتن پول از جیب فقرا و جامعه و دادن به سهامدار اصلی. البته در اینجا سهامدار اصلی، همان دولت است.

علت این که چرا این اتفاق رخ می دهد، این است که دولت، بنگاه دار اصلی است. دولت، گران می فروشد و ارزان می خرد. به هر حال، یک معامله گر حرفه ای، باید بداند که در یک زمان خاص، ممکن است در ضرر باشد ولی در ادامه وضعیت بازار را بررسی می کند تا از زیان خارج شود و به سود برسد. برای مثال، در بازارهای جهانی از جمله بازار فارکس، اخبار را بررسی می کنیم و مثلاً متوجه می شویم رئیس فدرال رزرو آمریکا می خواهد صحبت کند، وقتی رئیس فدرال رزرو صحبت کرد، معامله گر باید بررسی کند که آیا صحبت او درست است یا نه. برای مثال، فدرال رزرو اعلام کرد که می خواهد نرخ بهره را پایین بیاورد. ما در بررسی ها متوجه شدیم که اگر نرخ بهره را پایین بیاورند، برخی مناسبات مالی آمریکا به هم می ریزد. بر این اساس، می توانیم نتیجه بگیریم که تاثیر این خبر، پیشخور شده و ما به عنوان معامله گر باید این بررسی ها را انجام بدهیم. در مقابل، می بینیم که در ایران، یک نفر دبیر دبیرستان بوده یا معلم ریاضی است ولی این شخص، معامله گر نیست و اصلاً نباید وارد بازار شود. وقتی یک مجموعه، مردم را تشویق می کند که وارد بازار بورس شوند، کج منشی ایجاد می کند. در این حالت، دولت می خواهد ارزان بخرد و گران بفروشد.

بزرگان است، قواعد معامله کردن در بورس را تعیین می کنند. همه این نوع کارها، حمایت های دولتی بوده است.

به هر حال، در سال ۱۳۹۹ آماتورها به بورس ورود کردند. از طرف دیگر، در همین اردیبهشت سال ۱۴۰۲ شاخص به محدوده بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ واحد هم رفت. در ادامه، و الان که در اواخر تیر ماه قرار داریم، شاخص کل بورس، نسبت به اردیبهشت امسال بیش از ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده و این مقدار بازدهی بورس تهران از دست رفته است.

ایا در همین سال ۱۴۰۲ و اوج گرفتن جدید بورس، دوباره افراد آماتور و مبتدی نقش داشتند یا اینکه در سال جاری، فقط افراد و معامله گران حرفه ای و شرکت های تخصصی، در بورس و معاملات آن، حضور جدی داشته و دارند؟

نوسان گیری دولت با ورود افراد عادی

حضور مستقیم افراد عادی در بورس، اشتباه است. وقتی افراد عادی و آماتور در بورس حضور پیدا می کنند، دولت می تواند از آنها نوسان گیری کرده و سود کسب کند. مناسبانه در ایران و به خاطر تبلیغات اشتباهی که توسط برخی رسانه ها صورت می گیرد، مردم عادی از جمله راننده تاکسی، وارد بورس می شوند. در حالی که این افراد، باید به صندوق سرمایه گذاری مراجعه کرده و از این طریق در بازار سرمایه گذاری کنند. البته حتی صندوق های سرمایه گذاری ایران، صندوق های واقعی نیستند. هنوز در جامعه ما نهادینه نشده که افراد نباید به طور مستقیم به بورس ورود کنند. برخی افراد عادی، از سال های قبل در بورس حضور داشتند ولی تعداد زیادی از آنها از بورس خارج شده اند، یعنی برخی از افراد عادی حاضر در بورس، در این اواخر از بازار خارج شدند و افراد جدیدی وارد این بازار نشده اند.

در حوزه بازارهای سرمایه گذاری داخلی، بورس تهران یکی از بازارهای مهم مالی ایران است و در مقاطع زمانی مختلف، سرمایه های زیادی را جذب کرده است. آخرین بار در اردیبهشت ۱۴۰۲ که بورس اوج گرفت شاخص کل به محدوده بالاتر از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد رفت. قبل از این جهش شاخص بورس، همین شاخص در مرداد سال ۱۳۹۹ به اوج خودش رسید و دچار ریزش بزرگی شد. در حال حاضر، شاخص کل بورس از اوج خودش در اردیبهشت ۱۴۰۲، دچار ریزش جدی شده و به ۲ میلیون و ۷۰ هزار واحد در روز شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۲ کاهش پیدا کرده است، آیا همان اتفاق مرداد ۱۳۹۹ که بورس به اوج خودش رسید و بعد دچار ریزش شد، در حال حاضر دوباره رخ داده و معامله گران بازار در مورد ریزش فعلی شاخص بورس، چنین دیدگاهی دارند؟

یک حالت مبتدیانانه است که برخی افراد تصور کنند که بازار فقط به سمت بالا حرکت می کند. در حالی که ماهیت بازار این است که از یک ناحیه به نام عرضه، حرکت می کند و به یک ناحیه تقاضا می رسد، یا همین طور از ناحیه تقاضا حرکت می کند و به یک ناحیه عرضه می رسد. این وضع، در همه بازارها وجود دارد و مارکت (بازار)، خودش را به تعادل می رساند. این که برخی افراد با عوام مردم نسبت به شرایط بازارهای مالی شناخت دقیقی ندارند، یک واقعیت بوده و برای مثال، یک پزشک که در بازارهای مالی مهارت ندارد در زمان ریزش بورس، می گوید بازار ریخته یا یک راننده تاکسی می گوید امروز بازار در حال ریختن است، یا یک معلم می گوید بازار امروز می ریزد. سوال این است که مگر قرار است بازار همیشه به سمت بالا حرکت کند. بازار یک نوسان دارد و از یک ناحیه تقاضا تا یک ناحیه عرضه حرکت می کند تا به تعادل برسد. ماهیت بازارها این طور بوده و بازار فارکس و تمام بازارهایی که دستکاری نمی شوند بر همین منوال کار می کنند. در مورد اتفاقات سال ۱۳۹۹، چهار عامل باعث شد که

بورس تهران به آن حال و روز بیفتد و یک عامل مهم، نرخ بهره واقعی بود که به شدت منفی شده بود. عامل دیگر، حمایت های دولت بود چرا که مقامات دولت که قدرت دارند به مردم توصیه کردند که به بورس بروند. در حالی که دولت نباید به مردم بگوید وارد بورس شوند. عامل سوم، هجوم فله ای به بازار بورس ایران بود. همین رفتار، باعث می شود قیمت سهام بالا برود و بعداً کاهش پیدا کند. عامل چهارم

که از همه مهم تر است، احتکار سهام بود. دولت، به هر دلیلی در بازارهای مختلف دخالت می کند، در حالی که دولت، باید به عنوان داور مسابقه مطرح باشد. در کشور ما، دولت هم نقش داور را دارد و هم نقش بازیکن را دارد. حالت ایده آل این است که دولت، به عنوان داور مسابقه در بازار حضور داشته باشد.



دولت در کشور ما، بزرگ ترین کارفرما محسوب می شود. از طرفی، در سال ۱۳۹۹ دولت تعداد زیادی سهام شرکت های دولتی را در اختیار داشت و با توجه به قطع درآمدهای نفتی، می خواست آنها را بفروشد و دچار کسری بودجه نشود. اگر بحث بنگاهداری باشد، دولت باید در بالاترین قیمت بفروشد. از طرف دیگر، چند ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب مجدد آقای روحانی در سال ۱۳۹۹، اتفاقاتی در عرصه سیاسی رخ داد و عده زیادی گفتند که از رای دادن به آقای روحانی پشیمان هستند. در آن حالت، یک دقیقه بی اعتمادی شدیدی نسبت به دولت آقای روحانی ایجاد شد و سرمایه اجتماعی دولت کاهش پیدا کرد. با این حال، در سال ۱۳۹۹ و اوج گرفتن بورس تهران، سرمایه های خرد افراد وارد بورس شد ولی بعداً که بورس دچار ریزش شد، سهامداران خرد که در زمان اوج بورس، خرید کرده بودند، آقای روحانی و دولت او را مقصر ضرر کردن خودشان می دانستند